

دانشگاه پیام نور مرکز تهران

موضوع پایان نامه

بررسی و تحقیق در خصوص اصل لزوم

در عقود اسلامی

استاد راهنما : دکتر حسن مبینی

استاد مشاور : دکتر عابدین مؤمنی

دانشجو : علی فروزنده ۸۵۷۱۰۳۰۲۳۰

رشته : الهیات و معارف اسلامی

(فقه و مبانی حقوق)

پاییز : ۸۸

چکیده

اصاله اللزوم از جمله قواعد فقهی است که از قدیم الایام بوده و مفسرین از آن استفاده می کردند و در تمام ملت ها و مذاهب بوده و همچنین قاعده فقهی است که با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع آن از زمان نزول قرآن بوده و از آن استفاده می گردید از جمله ایه مبارکه (افوا بالاعقود) در باب عقود چه در معاملات و چه در معاوضات و معاهدات اصل اولیه لزوم است که مورد استفاده قرار می گیرد و در قانون مدنی ایران ماده ۲۱۹ به عنوان يك اصل مسلم حقوقی پذیرفته شده است.

واژ اصل : یعنی چیزی که چیز دیگر بر آن بنا شده باشد.

واژه لزوم: به معنی ثبوت چسبیدن و جدانشدن است و در برابر جواز قرار دارد (بایستن و ضرورت داشتن)

واژه عقد: به معنی قطعی کردن بیع و بستن عهد آمده و عمل حقوقی دو جانبه که اراده دو طرف لازم است.

(ماده ۲۱۹ ق.م. میگوید عقودي که بر طبق قانون واقع شده

فهرست مطالب

عنوان ----- صفحه

فصل اول

- ۱- سود و زیان در زندگی اجتماعی----- ۴
- ۵- آیا اسلام ضرر را مطلقاً نفی کرده و احکام ضرری را تنفیذ و امضاء نکرده است ----- ۵
- ۷- آیا عدم سود و نفع ضرر زیان محسوب می شود ----- ۷
- ۲- ماهیت دو گانه معاملات ----- ۸
- عقود- معامله - الزامات- تعهدات- قراردادها- اقسام عقود و معاملات- شروط صحت معامله)
- ۳- ضرورت معامله و دادستد در زندگی اجتماعی ----- ۱۳
- ۴- راههای پیشگیری از ضرر ----- ۱۶
- ۱۷- لزوم جبران ضرر ----- ۱۷

فصل دوم

- ۱- واژه اصل ----- ۲۲
- ۲- واژه لزوم ----- ۲۲
- ۳- واژه عقد ----- ۲۴
- ۴- تعریف قاعده اصاله اللزوم ----- ۲۴
- ۵- معنای «اصل» در قاعده لزوم ----- ۲۶
- ۶- تعریف ادله فقاهتی ----- ۲۷
- ۷- تعریف ادله اجتماعی ----- ۲۷

- ۸- معنای لزوم معامله در قاعده ----- ۲۷
- ۹- اقسام لزوم و جواز ----- ۲۹
- ۱۰- تعریف لزوم حکمی و لزوم حقی ----- ۲۹
- ۱۱- نظرات علما در خصوص قاعده ----- ۳۲
- ۱۲- تعریف عقد عهدی و عقد اذنی ----- ۳۴
- ۱۳- نظر شیخ انصاری در خصوص اصاله لزوم در عقود عهدیه ----- ۳۵
- ۱۴- نظر آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی ----- ۳۶
- ۱۵- آیا اصاله لزوم در عقد است یا ایقاع ----- ۳۸
- ۱۶- نظرمی‌رفتاح مراغه ای صاحب عناوین ----- ۳۸
- ۱۷- نظریه شیخ انصاری ----- ۳۹
- ۱۸- نظریه مرحوم میرزا حسن بجنوردی ----- ۴۰
- ۱۹- نظریه مرحوم ملا احمد نراقی ----- ۴۰
- ۲۰- دلایل قرآنی اصل لزوم در عقود ----- ۴۱
- ۲۱- قاعده اصاله اللزوم در عقود ----- ۴۳
- ۲۲- مفهوم عقد ----- ۴۴
- ۲۳- نظرات برخی علما در خصوص عقد ----- ۴۵
- ۲۴- مراد از لزوم و اصل ----- ۴۶-۴۷

فصل سوم

- ۱- بیان برخی موافقان دلالت آیه بر اصل لزوم در عقود ----- ۵۲
- ۲- بیان مخالفان دلالت آیه بر اصل لزوم در عقود ----- ۵۳
- ۳- بررسی و ارزیابی دیدگاه مخالفان ----- ۵۵

- ۴- استدلال شیخ انصاری بر اصل لزوم در عقود ----- ۵۸
- ۵- نقد اصل لزوم در قانون مدنی ایران ----- ۶۳
- ۶- اصل لزوم و مجاری آن در فقه امامیه ----- ۷۰
- ۷- لزوم انجام تعهد (تعریف-عناصر و منابع تعهد) ----- ۷۲
- ۸- آثار التزام به عقد ----- ۷۹
- ۹- مبنای التزام ----- ۸۰

فصل چهارم :

- ۱- لزوم و جواز در عقود و ایقاعات ----- ۸۴
- ۲- قاعده لزوم عقود و قراردادهای ----- ۸۷
- ۳- لزوم عقود از نظر فقها ----- ۹۲
- ۴- دو نوع استدلال بر ماده ۱۲۴ ق . م ----- ۱۰۵
- ۵- اقسام لزوم و جواز ----- ۱۱۱
- ۶- تعریف لزوم حقی و حکمی ----- ۱۱۱
- ۷- تعریف جواز حقی و حکمی ----- ۱۱۲
- ۸- لزوم و جواز از عقد قرض ----- ۱۱۲
- ۹- تأثیر شرط فعل در لزوم عقود ----- ۱۱۶
- ۱۰- قاعده لزوم ایقاعات و تعهدات یکطرفه ----- ۱۱۷

فصل پنجم :

- الف: مستندات مدارک و ادله حجیت اصالة اللزوم ----- ۱۲۱
- کتاب ----- ۱۲۱

سنت ----- ۱۳۹

بنای عقد ----- ۱۴۹

ب: دلایل فقهائی ----- ۱۵۶

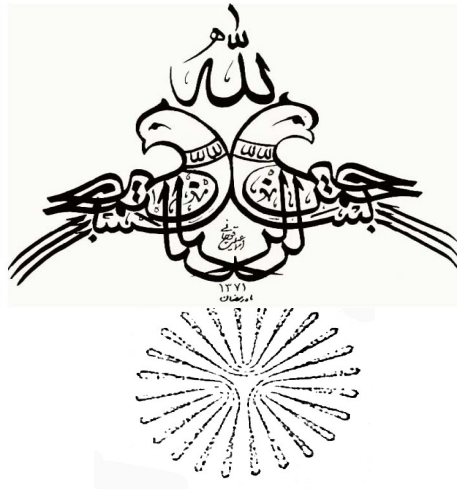
استصحاب ----- ۱۵۶

قاعده تسلیط ----- ۱۷۲

مجرای قاعده ----- ۱۷۵

فوریت و تراخی خیار غبن ----- ۱۷۶

منابع و مأخذ ----- ۱۸۳



دانشگاه پیام نور مرکز تهران

با استعانت از خداوند متعال و بذل و بخشش و الطاف بی پایان پروردگار

عالم پایان نامه خود را با موضوع « بررسی و تحقیق در خصوص اصل

لزوم در عقود

Investigation and study in relation of
Necessity basisin eslami (contracts)

اسلامی « شروع می نمائیم امید است مورد قبول و استفاده قرار گیرد و

با مطالعه و بررسی آن مرا در لغزشها و قصور ارتكابی توجیه و راهنمایی

پائیز ۸۸

فرمائید علی فروزنده

« سابقه و ضرورت انجام تحقیق »

اصاله لزوم از جمله قواعد فقهی است که از قدیم ایام بوده و مفسرین از آن استفاده می کردند و در تمام ملت ها و مذاهب بوده و همچنین قاعده فقهی است که با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع آن از زمان نزول قرآن بوده و از آن استفاده می گردید. از جمله آیه مبارکه « افوالعقود » و در باب عقود چه در معاملات و چه در معاوضات و معاهدات اصل اولیه لزوم است که مورد استفاده قرار می گیرد.

ضرورت : ۱- در قانون مدنی ایران ماده ۲۱۹ به عنوان یک اصل مسلم حقوقی پذیرفته شده است.

۲- بیان دیدگاههای مختلف در خصوص اصل لزوم

۳- رفع ابهامات موجود در خصوص اصل و رسیدن به اصل واقعی اصاله لزوم

۴- بهره برداری و استفاده از آن در عقود اسلامی و چگونگی آن در معاهدات و ...

۵- می تواند جزء آراء محموده باشد.

۶- تحلیل نظریات مختلف در این خصوص

۷- بیان مستندات و مدرکات اصل لزوم

« جنبه جدید بودن و نوآوری طرح از نظر استاد راهنما » با توجه به اهمیت اصل لزوم در عقود و تعهدات و کاربرد اساسی آن در زندگانی اجتماعی اعم از معاملات و احوال شخصیه و جاری بودن در میان همه ملل و محل تقریباً قاعده اساسی در نظامهای حقوقی دنیا و نشان دادن این اصل در قوانین موضوعه از قبیل قانون مدنی و تجاری کشور از این جنبه این تحقیق نو و تازه است.

فصل اول

« مقدمه »

نکات

۱- سود و زیان در زندگی اجتماعی

- آیا اسلام ضرر را مطلقاً نفی کرده و احکام ضرری را تنفیذ و امضاء نکرده است؟!

- آیا عدم سود و نفع ضرر و زیان محسوب می شود؟

۲- ماهیت دو گانه معاملات

عقود- معامله - الزامات - تعهدات- قراردادها- اقسام عقود و معاملات- شروط صحت معامله

۳- ضرورت معامله و دادستد در زندگی اجتماعی

۴- راههای پیشگیری از ضرر

- لزوم جبران ضرر

فصل اول :

سود و زیان در زندگی اجتماعی :

اولین هدف در زندگی رسیدن به خوشبختی است و این ممکن نخواهد شد مگر اینکه ترس، شک و افکار منفی را از صحنه زندگی حذف کنیم. یکی از عواملی که بیش از همه مانع خوشبختی می شود نگرانی مالی است که شاید ناشی از ضرر و زیانهای فرد باشد. البته نگرانی مالی منظور ثروت زیاد نیست بلکه گاهی به علت احساس کم درآمدی و زیانهای است که احساس می کنیم مثلاً سود و زیان یا پول کمی داریم که به همین خاطر زندگی سختی را پشت سر می گذرانیم

هر خرید برای رفع یک نیاز یا جبران یک نارضایتی صورت می پذیرد که چه بسا با همان خرید سود فراوانی چه در زمینه مادی و چه در زمینه معنوی شامل حال گردد و هر نفع و یا سودی تلاش است برای حل یک مشکل یا رسیدن به یک هدف. سود یعنی منفعت و کسب، استفاده و بهره ای که از کار عاید گردد.

زیان و ضرر که از لحاظ لغوی مترادفند. ضرر در لغت به معنی گزند و نقصان است و مقابل نفع بوده زیان به معنی نقصان و خسارت است و ضرر ضد سود است و آنچه که ضرر برساند یا سبب زیان و خسارت و آسیب گردد زیان آور است روایات و آیات فراوانی در این خصوص به ما رسیده که اهمیت موضوع را به ما می رساند از جمله آیه قرآنی که می فرمایند. « وِلِّ لِلْمُطَفِّقِينَ » و ای بر کم فروشان آنهایی که موقعی که می خواهند چیزی بستانند کامل می گیرند و درکیل خود کم می دهند یعنی ضرر و

زیان به خریدار می‌زنند که این به شدت نهی شده است. از طرفی قوام زندگی بدون کسب و درآمد یا سود و منفعتی که از این راه به دست می‌آید غیر ممکن است.

در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی کلمه ضرر و زیان خسارت و غرامت به یک معنی استعمال شده است. علم حقوق در مسئولیت مدنی فارغ از جنبه کیفری فعلی است که موجب زیان گردیده و فقط گفتگوی آن در ضرر ناشی از عمل بدون مجوز قانونی می‌باشد. برای آنکه مسئولیت مدنی محقق گردد و کسی مسئول جبران آن باشد باید از طرف آن کس بدون مجوز زیانی متوجه دیگری شده باشد.

ضرر در کل دو قسم است

۱- ضرر مادی: ضرری که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده باشد.

۲- ضرر معنوی: زیانی که باعث کسر حیثیت یا اعتبار یا صدمات روحی گردد

لازم به ذکر است که احکام ضرری فراوان است که در شرع آمده است مثال وجوب زکات خمس، جهاد، اجرای قصاص و حدود و تعزیرات، ادای دیات و خسارات ناشی از ضمانات و ... اینها همه احکامی هستند که ضرر آنها از مال و عرض گرفته تا به اعضاء و جوارح و حتی بنفوس و جان هم می‌رسد.

پس آیا با وجود همه اینها می‌توان ادعا کرد که اسلام ضرر را نفی کرده و احکام ضرری را امضاء و تنفیذ نکرده است؟! در جواب باید گفت: ضرر مفهومی است عرفی و عرف در تشخیص این معنا از احتساب فوائد و زیانهای حاصل از انجام کار و کسر و انکسار خود داری نمی‌کند یعنی در هر کاری

ممکن است نفعی یا ضرری یا منافع و مضاری باشد ولی عرف ان کار را یا مضر می داند یا نمی داند، این حکم عرفی ناشی از این امر است که عرف اثر و نتیجه غالب را در نظرمی گیرد اگر مضار چیزی در مقایسه با منافع آن اندک باشد آن را ضرری نمی داند هر چند متضمن ضرر هم باشد. مثلاً نفقه دادن به زوجه، فرزندان و اقارب ضرری است بارز ولی عرف آن را ضرر نمی داند. چرا؟! چون فواید بیشماری از این رهگذر عاید منفق می شود که یکی از آنها احساس رضایت قلبی، شادی خاطر و لذتی است که مشاهده راحت، رفاه و آسایش کسان و بستگان خود به او دست می دهد.

جهاد مستلزم بذل مال و جان است ولی عقیده و ایمان جوهر اصلی زندگی است و اگر فردی، افرادی، جامعه ای بخواهند به حقیقت زندگی بکنند، با حیثیت و آبرو زنده بمانند از زنده بودن خود احساس سربلندی کند، گاهی ناچار می شوند در ازای آن بهایی گزاف پردازند و با این همه عرف این معامله را غبنی و ضرری نمی داند، سهل است عکس آن را زیان و خسران، خواری و خفت و ننگ دانسته مرگ را بر زندگی ننگ بار ترجیح دهند

این گفتار مربوط به به سرور آزادگان و شهیدان حسین بن علی (ع) است که فرمود انما الحیوه عقیده و جهاد یعنی زندگی، زنده بودن، عقیده و ایمان داشتن و جهاد در راه آن است و بس. که این یک عقیده شخصی و شعار اغوا کننده نیست این ندای فطرت و راز تکامل بخش خلقت است واجبات مالی مثل زکات خمس، ادای دیات و خسارات و نفقات و اجرای حدود تعزیرات و همه با اینکه از جهتی ضرری هستند ولی با توجه به منافع فراوان آن و با کسر و انکسار منافع و مضار آنها و رجحان جانب

نفع آنها به ضررشان، در نظر عرف ضرر و زیان محسوب نمی شود بنابراین توجیه حدیث « لا ضرر و لا ضرر » توجیه اصولی و به حقی است .

در اینکه آیا عدم سود و نفع ضرر و زیان محسوب می شود یا نه میان ضرر و زیان و عدم نفع و سود تفاوت است، چه، در حالی که ضرر عبارت است از نقصی در مال یا جان یا آبرو عدم نفع و سود عبارتست از تغییر نکردن وضع شخص به طوری که نه چیزی از آن کسر و نه بر آن افزوده می شود. بنابراین قاعده لا ضرر را که در فقه می خوانیم، به دلالت لفظی شامل نمی شود مثل آنکه یکی دیگری را از کسب و کار باز دارد. آنچه به نظر می رسد این قاعده شامل عدم نفع و سود مسلم می شود ولی از بین رفتن منافع احتمالی را فرا نمی گیرد.

ماهیت دو گانه معاملات و عقود :

(نکات : عقود معامله - الزامات - تعهدات - قراردادها - اقسام عقود و معامله شروط صحت معامله)

معانی اصطلاحی که قانون در عنوانین و عقود معامله استعمال نموده از قرار داد ذیل است :

۱- عقود کلمه ای عربی و جمع عقد است و لغتاً به معنی بستن می باشد و اصطلاحاً چنانچه ماده ۱۸۳ قانون مدنی می گوید « عقد عبارتست از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد به امری نمایند و مورد قبول آنها باشد » وجه تناسب معنی اصطلاحی و معنی لغوی آن است که در اثر انعقاد عقد بین دو نفر رابطه حقوقی ایجاد می شود و آن را به یکدیگر مرتبط می سازد.

عقود بر دو قسمت است :

عقود معینه : و آنها عقود هستند که از زمان قدیم بین افراد متداول بوده و دارای مورد و آثار و احکام مخصوص هستند و هر یک از آنها به نامی نامیده می شود مانند : بیع، اجاره، رهن، عاریه و ودیعه و امثال آنها

عقود غیر معینه : عقود هستند که در قالب هیچ یک از عقود معینه در نمی آیند و طرفین عقد باید مورد و مقتضا و همچنین شروطی را که در نظر دارند در ضمن عقد قرار دهند و دارای نام مخصوص نمی باشند و آنها را قرارداد نیز می گویند(عقودبی نام)

۲- معامله: کلمه ای است عربی و مصدر باب مفاعله است در اصطلاح حقوقی با عقد فرقی ندارد اگر چه در بسیاری از موارد کلمه معامله در عقود که از ناحیه هر یک از طرفین عقد نسبت به طرف دیگر تعهد و یا تملیک شده باشد، استعمال می شود.

۳- الزامات : کلمه ای است عربی و (ات) علامت جمع مونث است که در آخر کلمه الزام اضافه شده و الزام مصدر باب افعال است و به معنی اجبار می باشد و دارای معنی اصطلاحی مخصوص نیست .

۴- تعهدات : کلمه ای عربی و (ات) آن مانند (ات) الزامات می باشد تعهد مصدر باب تفاعل و از کلمه عهد به معنی بستن مشتق می باشد و اصطلاحاً جنبه منفی یا مدیونیت و بر عهده داشتن است که

از عقد حاصل می شود . بنابراین عقد سبب ایجاد تعهد و تعهد مسبب آن است. گاه تعهد در عقد عهدی استعمال می شود در این صورت تعهد اخص از عقد می باشد و مرادف با آن نیست.

۵- قرارداد : که مرادف با عقد است با این فرق که در بسیاری از موارد کلمه عقد فقط در عقود معینه استعمال می شود و حال آنکه قرارداد به کلیه عقود خواه معینه باشد و یا غیر معینه که بر طبق ماده ۱۰ « قانون مدنی که می گوید « قرار دادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است » منعقد می گردد گفته می شود

اقسام عقود و معاملات

ماده ۱۸۴ قانون مدنی می گوید « عقود و معاملات به اقسام ذیل تقسیم می گردد»

لازم - جائز - خیاری - منجر - معلق

۱- عقود لازم - ماده ۱۸۵ قانون مدنی می گوید « عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین معامله حق

فسخ آن را نداشته باشند مگر در موارد معینه »

۲- عقد جائز - ماده ۱۸۶ قانون مدنی می گوید: عقد جائز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقت

که بخواهد فسخ کند «مثل عاریه - وکالت

عقد جائز را می توان به صورت شرط در ضمن عقد لازمی قرار داد و اثر عقد لازم را بر او مترتب

ساخت . و همچنین است هر گاه یکی از طرفین یا هر دوی آن ها در ضمن عقد لازمی عدم فسخ

عقد جائز را شرط نمایند .

۳- عقد خیاری : ماده ۱۸۸ قانون مدنی می گوید «عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آنها برای ثالثی اختیار فسخ باشد» عقد خیاری نوعی از عقد لازم است که به وسیله برقراری شرط فسخ ، اثر عقد جاز به آن داده می شود (عقدی که در آن شرط خیار شده باشد .)

۴- عقد منجز: ماده ۱۸۹ قانون مدنی می گوید « عقد منجر آن است که تأثیر آن برحسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد و الا معلق خواهد بود»

۵- عقد معلق : چنانچه از مفهوم ماده ۱۸۹ قانون مدنی که عقد منجر را تعریف می نماید معلوم می شود که عقد معلق آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امری دیگر باشد. (در این عقد موت و جنون طرفین باعث فسخ نمی گردد .)

عقد معلق در حقوق امامیه :

در حقوق امامیه بسیاری از فقها از جمله شرایط بیع، تنجیز را شمرده اند و عقد معلق را باطل می داند و بر این امر دعوی اجماع کرده اند ولی تحقق اجماع مسلم نیست

۶- عقد معوض: عبارتست از عقدی که یکی از طرفین در مقابل طرف دیگر تعهد می نماید و یا مالی را می دهد و در عوض مالی که از طرف دیگر می گیرد و یا تعهدی که طرف دیگر به نفع او می کند. مثل بیع که دارای ثمن و مثنی می باشد (عوض و معوض)

۷- عقد غیر معوض: عقدی که یکی از طرفین مالی را به دیگری می دهد و یا تعهدی در مقابل او می نماید، چنانکه در هبه می باشد که یکی مال خود را به دیگری می بخشد انتقال مال در هبه فقط از طریق واهب است بدون آنکه عوض در مقابل گرفته باشد

۸- عقد تملیکی: عقدی که بوسیله آن انتقال ملکیت حاصل می گردد مثل بیع خانه

۹- عقد عهدی: عقدی است که ایجاد حق دینی و تعهد برای یک طرف در مقابل طرف دیگر یا برای هر یک از طرفین در مقابل طرف دیگر می نماید

۱۰- عقد مطلق: عقدی است که هیچ شرط و تعلیقی در آن نشد باشد و آن را می توان عقد ساده نامند

۱۱- عقد مشروط: عقدی که یکی از شروط (شرط نتیجه - شرط فعل - شرط صفت در آن قید شده باشد) شرط به معنی عهد است)

۱۲- عقد تشریفاتی: عقدی که علاوه بر اجتماع تمام شرایط اساسی برای صحت معامله تشریفات صوری مخصوصی را لازم دارد تا بتواند دارای آثار قانونی باشد (از ایقاعات فقط طلاق تشریفاتی می باشد)

۱۳- عقد غیر تشریفاتی: عقدی است که هر گاه قصد انشاء در آن مقرون به چیزی می باشد که دلالت بر قصد نماید صحیح شناخته می شود و احتیاج به الفاظ مخصوص و یا تشریفات خارجی ندارد مثل عاریه - ودیعه وکالت و امثال آن

شرط صحت معامله :

هر یک از عقود (معینه-غیر معینه و قرار داد ها) وقتی آثار قانونی دارد که شرایط اساسی برای صحت معامله را دارا باشد. که ماده ۱۹۰ قانون مدنی می گوید «برای صحت همه معامله شرایط ذیل اساسی است

- ۱- قصد طرفین و رضایت آنها ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله

کلمه معامله در ماده مزبور در معنی وسیع خود که عقد باشد استعمال شده است منظور قانون مدنی از اساسی بودن شرایط بالا در عقد، آن است که هر گاه در معامله ای شرایط چهار گانه بالا جمع شود آن معامله صحیح و دارای آثاری است که قانون لازمه آن معامله را دانسته است؛ زیرا از نظر حقوقی شرایط مزبور ارکان متشکله عقد می باشند که با فقدان هر یک از آنها عقد پیدایش نمی یابد. در مقابل عقد صحیح، عقد باطل و غیر نافذ می باشد.

ضرورت معامله و داد ستد در زندگی اجتماعی :

مَنْ اتَّجَرَ بغيرِ فقهٍ فَقَدْ ارْتَطَمَ فِي الرَّبَا : (حکمت ۴۴۷ نهج البلاغه)

کسی که بدون فقه اسلامی تجارت کند، به ربا خوری آلوده می شود

انسان موجودی است اجتماعی بالطبع مدنی (شهری) و از اعصار قدیم و مراحل اولیه، احتیاج به معاملات و کسب داشته ، زیرا یک فرد به تنهایی قادر به تهیه مایحتاج خود نیست و هر کس قسمتی از آن را تهیه می کند. از زمانهای خیلی قدیم و اعصارها قبل از تاریخ که بشر این احتیاج را حس کرد

معاملات به وسیله مبادله انجام می شد مثلاً کسی که زراعت می نموده محصول خود را با متاع کسی که پارچه بافی می کرده مبادله می نموده است کم کم در اثر ترقی و رشد فکری بشری، این احتیاج شدت پیدا کرد تا جائیکه داد و ستد از همان زمانهای قدیم لازمه حیات بشر و جزء ینفک زندگی اجتماعی بوده است.

آیه مبارکه « یا ایها الذین آمنولا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً » ای افرادی که ایمان آورید اموالتان را میان خودتان بیهوده و باطل نخورید مگر آنکه به صورت تجارتی بوده باشد که در آن رضایت هر دو طرف وجود داشته باشد و خودتان را نکشید که خداوند به شما مهربان است.

همچنین پیامبر (ص) فرمودند که روزی در ده جزء می باشد که ۹ جزء آن در تجارت است در روایت دیگری از حضرت امیر المومنین (ع) منقول است که می فرمودند ای گروه سوداگران اول یاد بگیرید مسائل تجارت را و پس از آن مشغول تجارت شوید و الله ربا در این امت خفی است خفی تر از جا پای مورچه بروی سنگ سخت و قسم دروغ مخورید . به درستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنم است مگر کسی که حق بگیرد و حق ندهد. (ویل للمطفقین)

برایان تریستی می گوید : تا فروش انجام نگیرد هیچ کاری صورت نگرفته است فروش باعث رشد تجارت و صنعت و کارآفرینی ، پرداخت حقوق و دستمزد می گردد و جهت کلی یک جامعه را مشخص می کند چرا که با رشد اقتصاد در یک جامعه فرصتهای شغلی و پیشرفت جامعه بیشتر

خواهد شد. با توجه به اینکه انسان از ابتدا نیاز و احتیاج شدید به معامله و داد و ستد داشته طبعاً رسوم و عاداتی برای ارتباط مردم از ابتدا بوده که در اثر مرور زمان تکمیل شده و سران و رؤسای هر قوم رعایت آن را می نمودند تا جائیکه پادشاهان زمانهای خیلی قدیم برای قوام امور کشور خود امر به اجراء آن را هم می دادند و از طرفی مناسبات مردم در اثر ظهور بعضی از ادیان تکمیل تر شد و به صورت قوانینی لازم الاجرا در آمد و بعداً با جرح و تعدیل از طرف مقامات قانون گذار ملّت ها قانون هایی تشکیل شد

و بعدها روابط ملّت ها با یکدیگر توسعه یافته و تماس آنها بیشتر شد و طبعاً با این کار تجارت و داد ستد ترقی نمود چرا که جزء امور ضروری انسان است که در بقاء و تداوم زندگی همچنین روابط اجتماعی با یکدیگر نقش به سزایی دارد.

پس باید در تحصیل آن کوشید و به شیوه ای که منجزاً، به فسخ قواعد عقلی هتک تقدیرات شرعی نگردد در جهت آن تلاش کرد اما کسی که قدرت داد و ستد ندارد، عنایت الهیه اقتضا نموده که وجوب آن بر عهده دیگر قدرت مندان قرار گیرد و تامین آن بر حسب سلسله اولویت انجام پذیرد.

راههای کسب و درآمد متفاوت است و بهترین راه ها آن است، که توسط خرید و فرش، صنعت و تولیدات کشاورزی بر حسب عقود اسلامی انجام پذیرد. در دوره جدید بعلت نقش صنعت در اقتصاد، اقتصاد جوامع به تدریج از حالت خود بسندگی خارج شده و جوامع به مبادله و تجارت با یکدیگر روی آوردند، چه از طریق زور، مانند آنچه در مورد کشورهای مستعمره رخ داد و چه از روی